

فصلنامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان
سال ششم شماره بیست و یکم زمستان ۱۳۹۳ (صص: ۷۸-۵۳)

مطالعه تطبیقی حقوق ملت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و پاکستان

جواد شایان فر*

چکیده

تأمین حقوق و آزادی ملت ها از مسائل مهم و ضروری در هر نظام سیاسی می باشد. به گونه ای که اکثر نظام های سیاسی جهان بخشی از قانون اساسی خود را به بیان این حقوق تخصیص داده اند. قانون اساسی ایران و پاکستان که دارای نظام جمهوری اسلامی هستند و قاعدتا از احکام و آموزه های دین مبین اسلام تبعیت می کنند، از این قاعده مستثنی نبوده و به بیان حقوق ملت پرداخته اند لذا مطالعه حاضر با روش تحلیلی-تطبیقی به بررسی تطبیقی این حقوق در دو نظام سیاسی محل بحث می پردازد و از این حیث ضرورت دارد که موجب کشف نقاط قوت و ضعف آنها شده و احیانا زمینه بازنگری و اصلاح آنان خواهد شد. طبق بررسی های انجام گرفته قانون اساسی ایران با بیان حقوق بنیادی ملت براساس آموزه های وحیانی دین اسلام و تخصیص یک فصل مجزا به بیان این حقوق، نسبت به قانون اساسی پاکستان کاملتر بنظر می رسد.

کلیدواژه ها: تطبیق، قانون اساسی، ایران، پاکستان، جمهوری اسلامی.

* Email: javadbazzi@yahoo.com

مریی فقه و حقوق اسلامی دانشگاه سیستان و بلوچستان

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۱/۱۰

تاریخ دریافت: ۹۳/۷/۱۲

مقدمه

بر اساس جهان بینی اسلام، اصالت فرد همانند اصالت جامعه محفوظ بوده و از اهمیت بر اساس جهان بینی اسلام، اصالت فرد همانند اصالت جامعه محفوظ بوده و از اهمیت خاصی برخوردار است و هیچ دولت یا حکومتی نمی تواند به بهانه ادغام افراد در جامعه، حقوق و آزادی های شخصی و طبیعی آنان را نادیده بگیرد. بنابراین دولتی در عرصه حکومت داری موفق خواهد بود که در کنار حفظ نظم و عدالت در جامعه، ضامن تحقق آزادی ها و حقوق عمومی افراد باشد. حضرت محمد(ص) به مسأله حقوق افراد و رعایت آن عنایت ویژه ای داشته، می فرماید: «هرکس در ادای حق صاحب حق تعلل کند در حالی که توان ادای آن را داشته باشد، هر روز که می گذرد گناه باجگیری برایش نوشته می شود» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳: ۱۵/۴).

باتوجه به آنکه قانون اساسی هر کشور متضمن قواعد و مقرراتی است که علاوه بر بیان نوع حکومت و تشکیلات اساسی آن، به حقوق و آزادی های اساسی و بنیادی افراد می پردازد لذا هدف از نوشتار حاضر اینست تا با بررسی تطبیقی حقوق ملت در قانون اساسی کشور ایران و پاکستان، ضمن بیان نقاط اشتراک، افتراق، قوت و ضعف این دو قانون، به سنجش میزان تطابق حقوق ملت در این قوانین با احکام اسلامی و نیز ارائه راه حل هایی برای خلأهای احتمالی موجود در این زمینه پرداخته شود.

شیوه و سؤالات تحقیق

شیوه پژوهش حاضر از نوع تحلیلی-تطبیقی بوده و گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه ای انجام شده است و از آنجا که هم آموزه های وحیانی و هم بنای عقلاء در تقنین قوانین اساسی و عادی دارای حجیت و اعتبار است، حال در این تحقیق برآنیم تا بررسی کنیم که کدامیک از دو قانون مورد بحث، بیشتر به حقوق ملت پرداخته اند؟ و کدامیک در این زمینه، تناسب و هماهنگی بیشتری با احکام و آموزه های دینی دارند؟

پیشینه تحقیق

براساس بررسی های بعمل آمده اثری که اختصاصا به بررسی تطبیقی حقوق ملت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و پاکستان پردازد یافت نشد. اما مواردی وجود دارد که نویسندگان آنها رویکردی مشابه مطالعه حاضر اتخاذ نموده اند؛ پایان نامه خانم یزدانی تحت عنوان بررسی تطبیقی ارث و حضانت زن در قوانین موضوعه ایران و پاکستان، که در آذرماه ۱۳۹۱ در دانشگاه سیستان و بلوچستان دفاع گردیده است. پایان نامه مذکور از حیث تطبیقی بودن مطالعه بین قوانین ایران و پاکستان مشابه نوشتار حاضر است اما محدوده مطالعات متفاوت است. پایان نامه فوق الذکر به بررسی ارث و حضانت زن پرداخته اما مقاله حاضر به بررسی حقوق ملت. پایان نامه مریم شمس الدینی تحت عنوان بررسی حقوق مالی زن از دیدگاه امام خمینی (ره) و تطبیق آن با نظام حقوقی انگلیس، که در زمستان ۱۳۹۳ در دانشگاه سیستان و بلوچستان دفاع گردیده است. پایان نامه مذکور به مطالعه تطبیقی حقوق مالی زن از منظر امام (ره) و قانون انگلیس پرداخته است اما نوشتار حاضر به بررسی تطبیقی حقوق اساسی ملت در قوانین اساسی ایران و پاکستان می پردازد. محمد بجنوردی و همکاران در مقاله بررسی فقهی-حقوقی حقوق ملت در فصل سوم قانون اساسی ایران، که در فصلنامه متین سال ۱۳۸۵ به چاپ رسیده است، به بررسی حقوق ملت، فقط در فصل سوم قانون اساسی پرداخته و بیشتر به مبانی عقیدتی و فکری هر اصل توجه داشته اند. اما نوشتار حاضر به بررسی حقوق ملت در همه فصول قانون اساسی پرداخته و البته بطور مقایسه ای با قانون اساسی پاکستان می باشد. عباس نیکزاد در مقاله حقوق مردم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که در مجله رواق اندیشه سال ۱۳۸۳ به چاپ رسیده است ابتدا، انواع حقوق مردم در قانون اساسی را برشمرده و سپس حقوق بشر از دیدگاه اسلام را مورد بحث قرار داده است و در نهایت به بررسی مبانی و ادله برخی از حقوق مردم در فصل سوم قانون اساسی، از نظر کتاب و سنت و عقل اشاره نموده است، درحالی که مقاله حاضر به بررسی تطبیقی حقوق ملت در دو قانون اساسی ایران و پاکستان پرداخته است.

تعریف حقوق: حقوق در لغت جمع حق است و حق واژه ای عربی است که معادل فارسی آن در زبان فارسی «هستی پایدار» است یعنی هر چیز که از ثبات و پایداری بهره مند باشد، حق است، به همین دلیل، قرآن پروردگار را حق نامیده است «ذَلِكَا بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِن دُونِهِ الْبَاطِلُ...» حج/۶۲ (جوادی آملی، ۱۳۷۷: ۷۴). در کتاب لسان العرب در بیان معنای واژه حق آمده است: «الحق: من أسماء الله عزوجل و قيل من صفاته و الحق: ضد الباطل» (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۵۰/۱۰). در مورد معنای حق در الصحاح چنین آمده است که: «الحق خلاف الباطل والحق: واحد الحقوق... و الحقه أيضاً: حقیقه الامر» (جوهری، ۱۴۱۰: ۱۴۶۰/۲). و اما در اصطلاح تعاریف گوناگونی از حقوق صورت گرفته است مانند: حق، بهره و امتیازی است که برای شخص (له) بر چیزی یا بر دیگری (علیه) نسبت به چیزی (متعلق حق) اعتبار می شود و دیگران موظف به ادای آن هستند (ورعی، ۱۳۸۱: ۳۲). برخی دیگر نیز در تعریف حق گفته اند که: «حق، مصلحت و نفعی است که ارزش مالی دارد و قانون از آن حمایت می کند» (سمهوری، ۱۹۹۸: ۹/۱). همچنین بیان شده «حقوق مجموعه قواعد و نظامات و مقرراتی است که برای تنظیم روابط افراد و استقرار نظم در جامعه وضع گردیده و دارای ضمانت اجرایی کافی و مؤثر باشد.» (واحدی، ۱۳۷۳: ۱۴) و اما تعریف ذیل در بیان واژه حق به نظر گویاتر می باشد: «برای تنظیم روابط مردم و حفظ نظم اجتماع، حقوق برای هرکس امتیازهایی در برابر دیگران می شناسد و توان خاصی به او می بخشد. این امتیاز و توانایی را «حق» می نامند که جمع آن حقوق است.» (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۲)

تعریف ملت: واژه ملت نیز همانند واژه حقوق دارای تعاریف مختلف بوده و نظرات گوناگونی پیرامون آن بیان شده است که به نظر می رسد این تعریف برای آن انسب باشد: تمامی افرادی که در یک سرزمین زندگی می کنند و با هم پیوندهای مادی و معنوی دارند و خود را متعلق به آن جامعه سیاسی می دانند و از لحاظ احساسات و علائق و آمال و آرزو مشترک هستند. (مدنی، ۱۳۷۶: ۶۴) البته برخی از علما، سکونت در یک محل و تابع یک حکومت بودن را ملاک برای یک ملت بیان می کنند و اشتراک یا عدم اشتراک آنها در موارد

خاصه مانند احساسات و علایق را، دخیل در وصف ملت نمی دانند. (لنگرودی، ۱۳۸۸: ۶۸۴)

مفهوم جمهوری: این مفهوم در لسان العرب تحت عنوان (جل الناس) یعنی اکثریت مردم آمده است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۴۹/۴) و در لغت نامه دهخدا به توده، گروه و همه ی مردم و نیز به طرز حکومتی اطلاق می شود که رئیس آن (رئیس جمهور) از جانب مردم کشور برای مدتی محدود انتخاب می شود (دهخدا، ۱۳۷۷: ۷۸۵۹). واژه جمهوری به معنای عمومی یا همگانی نیز آمده است (مقیم، ۱۳۸۵: ۵۹). و اما در اصطلاح دارای معانی بشرح ذیل است: نظام جمهوری، حکومتی است که تمامی اقتدارات خود را به طور مستقیم یا غیرمستقیم از عامه مردم می گیرد و از سوی اشخاصی اداره می شود که مقام و قدرت خود را از رضایت مردم و در یک مدت محدود به دست می آورند. (کاشانی، ۱۳۷۷: ۳۱۷). شاید بتوان با کمی تساهل، مهمترین نقطه توافق و اشتراک مفاهیم گوناگونی را که برای جمهوری بیان شده است «حاکمیت اراده همگانی» دانست یعنی حکمرانان باید در چارچوب مصلحت عمومی و با رضایت آنان حکمرانی کنند. (مقیم، ۱۳۸۵: ۷۲). بنابراین جمهوریت یعنی دموکراتیک بودن و توسط آراء عمومی تعیین شدن و اینکه اکثریت قاطبه افراد از سه جهت در آن نقش داشته باشند: ۱- مشارکت در تعیین نظام و نمایندگان خود ۲- رضایتمندی عمومی از نظام ۳- حق رقابت عموم افراد در کسب قدرت (حق رقابت در انتخابات)

قانون اساسی: براساس اصل اول قانون اساسی ایران و پاکستان، نوع حکومت، جمهوری اسلامی معرفی گردیده است که از طرفی به اسلامی بودن این دو نظام و ابتدای کلیه قوانین و مقررات براساس موازین اسلامی اشاره دارد و از طرفی دیگر به جمهوریت، که اتکاء بر آراء عمومی است. و اما تعاریفی برای قانون اساسی بشرح ذیل وجود دارد: قانون اساسی به عنوان یک سند حقوقی حاکی از اراده عمومی، در مورد شکل حکومت، ساختار دولت

، حدود و وظایف، اختیارات نهادهای حاکم و حقوق عمومی و آزادیهای ملت، بحث می کند...» (عمید زنجانی، ۱۳۸۷: ۲۱) قانون اساسی هر کشور، بیانگر جهان بینی وایدیولوژی حاکم بر آن کشور است و به تعبیر دیگر، مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه است. (تسخیری، ۱۳۸۵: ۱۳). این حقوق متضمن قواعد و مقرراتی است که نوع حکومت و تشکیلات اساسی کشور و حدود اختیارات قوای سه گانه را مشخص و معلوم می دارد و همچنین حقوق و آزادی های افراد کشور را بیان می کند (واحدی، ۱۳۷۳: ۴۱ و هاشمی، ج ۱، ۲۸ و لطفی: ۲۸) بنابراین قانون اساسی هر کشوری پس از بیان نوع، ساختار و وظایف حکومت، منشوری کامل از حقوق ملت متبوع خود خواهد بود.

حقوق مشترک در قانون اساسی ایران و پاکستان: در این بخش به بیان اصولی از قانون اساسی ایران و پاکستان پرداخته می شود که به طور مشترک، حقوق ملت را بیان می کنند:

- بیان دین ملت در قانون: از آنجا که اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران و پاکستان مسلمانند و اعمال حاکمیت در این دو کشور از طرق دینی و مذهبی می باشد بنابراین در قانون اساسی آن ها به دین رسمی ملت به عنوان یکی از حقوق اساسی اشاره شده که البته در این زمینه حق آزادی فعالیت های مذهبی دیگر مذاهب و ادیان، مادام که منافی قانون نباشد مجاز شمرده شده است. اصل دوازدهم قانون اساسی ایران صریحا دین رسمی ایران را اسلام و مذهب اثنی عشری بیان می کند و البته برای دیگر مذاهب احترام کامل قایل است و به آنان حق داده تا در چهار بخش از فعالیت های خود آزاد باشند: الف) انجام مراسم دینی و مذهبی طبق فقه خودشان، ب) آزادی در تعلیم و تربیت دینی، ج) آزادی در احوال شخصیه، د) حق داشتن مقررات محلی در حدود اختیارات شوراهادر هر منطقه ای که پیروان هر یک از مذاهب، اکثریت داشته باشند، البته با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب. (قانون اساسی ایران، اصل ۱۲) نکته ی حایز اهمیت اینکه قانونگذار در اصول دیگر

قانون اساسی مانند اصل چهارم، هفتاد و دوم و یکصد و هفتادم، دین غالب مردم را مورد توجه قرار داده و در تصویب قوانین دیگر آنرا مدنظر داشته است، و خلاصه آنکه در قانون اساسی ایران ابتدا به حقوق غالب افراد در زمینه دین احترام گذاشته شده و سپس به دیگر حقوق پرداخته است. قانون اساسی پاکستان نیز به این مهم اشاره نموده و دین رسمی ملت را اسلام معرفی نموده است. اصل دوم این قانون به صراحت دین رسمی را اسلام معرفی می نماید و در اصول دیگر (مانند اصل بیستم، بیست و یکم) به نوعی اشاره به این موضوع دارد که می توان خلاصه آن ها را اینگونه بیان نمود: «دین رسمی پاکستان اسلام است و هرگونه فعالیت برای مذاهب اسلامی آزاد است البته در محدوده قانون» (قانون اساسی پاکستان، اصل ۲۰ و ۲۱) با توجه به اصول فوق الذکر، قانون اساسی ایران و پاکستان در زمینه ی دین بعنوان یکی از مهمترین حقوق ملت، دارای مشترکاتی به شرح ذیل می باشند:

الف- به رسمیت شناختن دین اسلام بعنوان دین غالب ملت

ب- مصونیت و آزادی در انجام مراسم دینی برای همگان در محدوده قانون

ج- عدم تصویب و اجرای هر قانونی که مغایر با دین رسمی باشد

- آزادی: کلمه آزادی دارای معانی مختلف و وسیعی است به گونه ای که گاهی به کمال اراده و گاهی به عدم المانع تفسیر شده است و اما تعریفی که در بیان ماهیت آزادی گویاتر به نظر می رسد اینکه: «آزادی عبارت است از اینکه شخصی اختیار انجام دادن هر کاری را داشته باشد به شرط آنکه ضرر آن کار به دیگری نرسد. این شرط، آزادی هرکس را در مقابل دیگری محدود می نماید و رعایت این شرط، تکلیف هر فرد و هر شخص در مقابل دیگری است. (مدنی، ۱۳۷۶: ۱۸۶) قانون اساسی ایران و پاکستان در مقوله ی بیان آزادی ملت نقاط اشتراکی دارند که در ذیل تحت عناوین مختلف (به اختصار) به آنها پرداخته می شود:

الف- آزادی عقیده، بیان، قلم و مطبوعات: آزادی بیان و عقیده از ویژگی های جوامع

اسلامیست و از صدر اسلام نیز وجود داشته است چرا که حضرت محمد(ص) با آراء و عقاید مختلف و متفاوت، با سعه ی صدر برخورد می نمودند و همین امر باعث می گردید تا افراد، نظرات خود را بدون ترس و واهمه بیان نمایند، به همین دلیل خداوند متعال در مورد آن حضرت می فرماید: «پس به [برکت] رحمت الهی با آنان نرمخو [و پرمهر] شدی و اگر تندخو و سختدل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می شدند...» (آل عمران/۱۵۹). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل بیست و سوم تصریح می کند: «تفتیش عقاید ممنوع است و هیچکس را نمیتوان به صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد.» (قانون اساسی ایران، اصل ۲۳) و همچنین در اصل بیست و چهارم به آزادی نشریات و مطبوعات در بیان مطالب البته در محدوده ی قانون اشاره دارد. قانون اساسی پاکستان نیز به این مهم، اشاره کرده در اصل نوزدهم بیان می کند: «هر شهروند حق برخورداری از آزادی بیان و گفتار را خواهد داشت، با رعایت محدودیت های متعارفی که قانون... وضع می نماید، مطبوعات نیز آزاد خواهند بود.» (قانون اساسی پاکستان، اصل ۱۹).

ب- آزادی تشکل ها ، انجمن ها ، احزاب و اجتماعات: اصل بیست و ششم قانون اساسی ایران به آزادی احزاب، جمعیت ها، انجمن های سیاسی و صنفی و انجمنهای اسلامی مشروط به عدم نقض اصول اساسی اسلام و نظام جمهوری اسلامی ایران اشاره نموده و در اصل بیست و هفتم بیان شده: «تشکیل اجتماعات و راه پیمایی ها، بدون حمل سلاح ، به شرط آن که مخل به مبانی اسلام نباشد، آزاد است» (قانون اساسی ایران، اصل ۲۷). اصل هفدهم قانون اساسی پاکستان به آزادی تشکل ها ، اتحادیه ها و احزاب اشاره نموده و در اصل شانزدهم در مورد آزادی اجتماعات بیان می شود: «بارعایت محدودیت های متعارفی که قانون با توجه به منافع عموم وضع می کند، هر شهروند حق تشکیل اجتماعات آرام و غیر مسلحانه را خواهد داشت» (قانون اساسی پاکستان، اصل ۱۶).

ج- آزادی انتخاب شغل، کسب و تجارت: از آنجا که طلب رزق و روزی حلال در اسلام واجب گردیده است. فلذا افراد باید در انتخاب شغل و راه کسب حلال آزاد باشند تا بتوانند به نحو احسن به این فریضه الهی عمل نمایند. قانون اساسی ایران حق انتخاب شغل دلخواه را برای افراد به رسمیت شناخته، در اصل بیست و هشتم بیان می دارد: «هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید» (قانون اساسی ایران، اصل ۲۸). هرچند قوانین اساسی مذکور، به حق برخورداری از کار و شغل مناسب پرداخته اند اما به نظر می رسد ضروریست به دو مورد دیگر در این زمینه اشاره شود:

الف- حق دریافت اجرت مساوی در مقابل کار مساوی.

ب- داشتن حق استراحت، فراغت و تفریح و نیز برخورداری معقول و محدود از ساعات کاری و مرخصی ها، با اخذ حقوق.

د- آزادی در انتخاب محل سکونت و اقامت اصل سی و سوم قانون اساسی ایران به این حق اشاره کرده، تصریح می دارد: «هیچکس را نمی توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر می دارد.» (قانون اساسی ایران، اصل ۳۳). قانون اساسی پاکستان در اصل پانزدهم خود، حق ورود آزادانه، سفر و سکونت و اقامت در هر بخشی از پاکستان را برای همه ی شهروندان خود، به رسمیت شناخته است. نکته مهم اینکه هرچند آزادی یکی از حقوق فطری و طبیعی بشر است به گونه ای که در سایه ی این حق، افراد به حقوق کامل خود می رسند اما آزادی بی حد و مرز مساویست با هرج و مرج در جامعه. بنابراین شایسته

به نظر می‌رسد قوانین اساسی ایران و پاکستان به این مهم توجه نموده و اصلی را به این امر اختصاص دهند و بعنوان مثال، مرز این آزادی‌ها را «قوانین و احکام شرعی» اعلام نمایند.

-حق برابری و عدم امتیاز و تبعیض: براساس جهان بینی اسلام، انسان‌ها همه با هم برابر بوده و همگان از نفسی واحد آفریده شده‌اند، خداوند متعال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ» (نساء / ۱). بنابراین برقراری عدالت و برابری میان انسان‌ها و مخالفت با تبعیضات ناروا، از مهمترین آرمان‌های این دین مبین است. حضرت محمد(ص) در خطبه‌ی مشهور حجه الوداع می‌فرماید: «إِنَّ رَبَّكُمُ وَاحِدٌ وَإِنَّ أَبَاكُمُ وَاحِدٌ، وَادَمُ مِنْ تُرَابٍ، لَيْسَ لِعَرَبِيٍّ عَلَى عَجَمِيٍّ فَضْلٌ إِلَّا بِالتَّقْوَى» (معتزلی، ۱۴۰۴: ۱۲۶/۱). همچنین شهید مرتضی مطهری (ره) یکی از معانی عدل را تساوی و نفی هرگونه تبعیض بیان می‌کنند و برای اجرای صحیح عدالت در جامعه، رعایت استحقاق افراد را لازم می‌دانند (مطهری، ۱۳۷۴: ۵۶). قانون اساسی ایران نیز در اصل نوزدهم به این مهم اشاره نموده تصریح می‌کند: «مردم ایران از هر قوم و قبیله‌ای که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد شد» (قانون اساسی ایران، اصل ۱۹). همچنین در بند نهم از اصل سوم یکی از وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران را «رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی» دانسته شده است. قانون اساسی پاکستان در دواصل پیاپی بیست و پنجم، و بیست و ششم به این مورد اشاره کرده است. در اصل بیست و پنجم بیان می‌دارد: «۱- همه شهروندان از نظر قانون برابر و از حمایت یکسان قانون برخوردار می‌باشند. ۲- هیچ‌گونه تبعیضی به علت جنسیت وجود نخواهد داشت. ۳- مفاد این اصل مانع از آن نمی‌شود که دولت تمهیدات ویژه‌ای برای حمایت از زنان و کودکان قائل شود» (قانون اساسی پاکستان، اصل ۲۵). اصل بیست و ششم: «۱- برای استفاده از محل‌های سرگرمی و تفریحگاههایی که فقط جنبه مذهبی نداشته باشند.

برای هیچ شهروندی از لحاظ نژاد، مذهب، طبقه اجتماعی، جنسیت، محل سکونت و یا زادگاه تبعیض وجود نخواهد داشت» (قانون اساسی پاکستان، اصل ۲۶).

نکته حائز اهمیت اینکه منظور از تساوی افراد، از حیث کمیت نیست بلکه در اغلب موارد، رعایت تساوی بدون در نظر گرفتن صلاحیت و استحقاق ها، نه تنها عدالت نیست بلکه عین ظلم خواهد بود. اصل تساوی و برابری که یکی از حقوق ویژه و بنیادین ملت است در حوزه حقوق عمومی دارای جنبه های مختلف می باشد اما قانون اساسی ایران و پاکستان فقط به بخشی از این جوانب اشاره نموده اند که شایسته به نظر می رسد در آنها به موارد ذیل هم توجه گردد: الف- تساوی در پرداخت مالیات / ب- تساوی در برخورداری از مشاغل دولتی / ج- تساوی در خدمت نظام وظیفه

-حق آموزش و پرورش: طلب علم و دانش آموزی در دین مبین اسلام مورد تأکید مؤکد است تا آنجا که حضرت محمد(ص) می فرمایند: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ أَلَا إِنَّ اللَّهَ يُجِبُّ بُغَاءَ الْعِلْمِ» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۶/۲۷). طلب دانش بر هر مسلمانی واجب است، خداوند جویندگان دانش را دوست دارد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در بند سوم از اصل سوم، یکی از وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران را این چنین بیان می دارد: «آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه، در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی» (قانون اساسی ایران، اصل ۳). همچنین اصل سی ام قانون مذکور تصریح می دارد که: «دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ی ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خود کفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد» (قانون اساسی ایران، اصل ۳۰). قانون اساسی پاکستان نیز در همین راستا در بند «ب» از اصل بیست و دوم بیان می دارد: «ب» هیچ شهروندی صرفاً به دلیل نژاد،

دین، طبقه اجتماعی یا محل تولد، از ورود به مؤسسات آموزشی که از بودجه دولت کمک دریافت می‌نمایند، محروم نخواهد شد» (قانون اساسی پاکستان، اصل ۲۲).

—حق امنیت و مصونیت: امنیت یکی از اساسی‌ترین نیازها و حقوق افراد است، امام صادق (ع) در این مورد می‌فرماید: «ثَلَاثَةُ أَشْيَاءَ يَخْتَانُ النَّاسُ طَرًّا إِلَيْهَا: الْأَمْنُ وَالْعَدْلُ وَالْخِصْبُ» (حرانی، ۱۴۰۴: ۳۱۹) سه چیز است که همه مردم به آنها نیاز دارند: امنیت، عدالت و آسایش. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تأمین امنیت و حمایت از همه افراد ملت را امری ضروری دانسته و در اصل بیستم بیان می‌دارد: «همه ی افراد ملت، اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند» (قانون اساسی ایران، اصل ۲۰). همچنین در اصل بیست و دوم تصریح شده: «حیثیت، جان، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز کند» (قانون اساسی ایران، اصل ۲۲). و نیز در اصل بیست و پنجم به مصون بودن حریم شخصی افراد از تعرض دیگران اشاره دارد: «بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون» (قانون اساسی ایران، اصل ۲۵). قانون اساسی پاکستان نیز این حق را برای شهروندان پاکستانی قایل شده، در اصل نهم بیان می‌دارد:

«هیچکس از زندگی و آزادی محروم نخواهد شد مگر به موجب قانون» (قانون اساسی پاکستان، اصل ۹). قانون اساسی ایران در زمینه بیان حق امنیت و مصونیت، با توجه به اختصاص سه اصل به این امر و بیان مصادیق مختلف از مصونیت‌ها مانند مصون بودن حیثیت، جان، حقوق، مسکن، شغل و حریم خصوصی افراد از تعرض، نسبت به قانون اساسی پاکستان گویاتر و جامع‌تر است.

- حق برخورداری از تأمین اجتماعی: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل بیست و نهم تأمین اجتماعی را حق همگان می داند و تصریح می کند: «برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، پیری، از کار افتادگی، بی سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت های پزشکی به صورت بیمه و غیره حقی است همگانی. دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت های مالی فوق را برای یک یک افراد کشور تأمین می کند» (قانون اساسی ایران، اصل ۲۹). همین طور اصل سی و هشتم قانون اساسی پاکستان در این زمینه بیان می نماید که: « دولت امور ذیل را انجام خواهد داد:

الف- بدون توجه به جنس، طبقه اجتماعی، عقیده یا نژاد، با بالا بردن سطح زندگی مردم، جلوگیری از انباشتن ثروت و ابزار تولید در دست اقلیت، به طوری که مغایر با منافع عامه باشد و با تضمین تنظیم عادلانه حقوق متقابل کارفرمایان، کارگران، و موجران و مستأجران، رفاه مردم را تأمین خواهد نمود. ب- براساس میزان منابع موجود کشور، برای تمام شهروندان تسهیلات کار و معاش کافی، استراحت و تفریح متعارف فراهم خواهد آورد. ج- برای همه افرادی که در دستگاههای دولتی پاکستان و غیره شاغل می باشند، تأمین اجتماعی را از طریق بیمه اجتماعی اجباری و دیگر راهها فراهم می سازد. (د) بدون توجه به جنس، طبقه اجتماعی، عقیده یا نژاد، برای همه شهروندانی که برای همیشه یا مدتی قادر به تأمین معاش خود بر اثر ناتوانی، بیماری یا بیکاری نباشند، نیازهای اولیه زندگی از قبیل غذا، پوشاک، مسکن، آموزش و درمان را فراهم خواهد نمود. (ه) اختلاف سطح درآمد و عایدی افراد را از جمله اشخاصی که در بخشهای مختلف دستگاه دولتی پاکستان اشتغال دارند، کاهش خواهد داد. (و) ربا را در اسرع وقت از بین می برد» (قانون اساسی پاکستان، اصل ۳۸). مبارزه با فقر از اهداف بسیار مهم اسلام می باشد به گونه ای حضرت محمد (ص) می فرمایند: « كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا

«کلینی، ۱۴۰۷: ۳۰۷/۲). نزدیک است که فقر، به کفر انجامد. همچنین فرمودند: «الْفَقْرُ أَشَدُّ مِنْ الْقَتْلِ» (مجلسی، ۱۴۱۰: ۴۷/۶۹). فقر بدتر و سخت‌تر از کشته شدن است. بنابراین یکی از حقوق مردم بر دولت، تأمین معاش و ارائه خدمات مالی به آنان است که به حد بی‌نیازی و غنای مذکور در اسلام برسند (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۵۹/۶ و سرخسی، ۱۴۰۶: ۱۸/۴).

—**حق برخورداری از مسکن مناسب:** یکی از ویژگی‌های سعادت افراد در اسلام، برخورداری از مسکن مناسب است، حضرت محمد (ص) می‌فرمایند: «مِنْ سَعَادَةِ الْمُسْلِمِ سَعَةُ الْمَسْكَنِ وَالْجَارُ الصَّالِحُ وَالْمَرْكَبُ الْهَيْئَةُ» (شیخ صدوق، ۱۴۰۳: ۱۸۳/۱). از سعادت مسلمان، خانه وسیع، همسایه شایسته و مرکب خوب است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل بیست و دوم، مسکن اشخاص را از تعرض مصون دانسته و در اصل سی و یکم تصریح می‌دارد: «داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد ایرانی و خانواده ایرانی است» (قانون اساسی ایران، اصل ۳۱). قانون اساسی پاکستان نیز این حق را به رسمیت شناخته و در بند ۲ از اصل ۲۴ یکی از وظایف دولت را تهیه مسکن برای مردم معرفی می‌نماید.

—**حق مالکیت:** حق مالکیت به عنوان یکی از ابتدائی‌ترین و اساسی‌ترین حقوق ملت محسوب می‌شود چراکه در سایه‌ی بهره‌مندی از این حق ویژه است که افراد می‌توانند نیازهای مادی و معنوی خود را برطرف کنند (حیاتی، ۱۳۸۹: ۱۴۲). این حق کاملترین نوع حق عینی است که به موجب آن مالک حق همه‌گونه انتفاع و تصرف را در ملک خود پیدا می‌کند و آنگونه رابطه‌ای بین شیء و فرد ایجاد می‌کند که هنگام انتقال حق مالکیت گفته می‌شود: «مال انتقال یافت» در حالی که حق مالکیت بر مال انتقال یافته است (کاتوزیان، اموال و مالکیت، ۱۳۸۰: ۱۳). قانون اساسی ایران در اصل بیست و دوم خود، مال افراد را از هرگونه تعرض مصون اعلام کرده و در اصل چهل و ششم هر فرد را مالک کسب و کار و درآمد مشروع خود دانسته البته مشروط بر آن که مانع کسب دیگران نباشد و نهایتاً در اصل

چهل و هفتم به صراحت حق مالکیت را برای اشخاص محترم شمرده است. قانون اساسی پاکستان نیز در اصل بیست و سوم، ذیل عنوان مقررات مربوط به اموال، حق بدست آوردن، نگهداری و واگذاری اموال در محدوده ی قانون را برای هر شهروند پاکستانی به رسمیت شناخته و در اصل بیست و چهارم بیان می کند: «(۱) هیچ کس را نمی توان به زور از مال خود محروم کرد مگر به حکم قانون (۲) هیچ مالی با توسل به زور تصرف یا مصادره نخواهد شد مگر اینکه برای یک منظور عام المنفعه و توسط یک دستگاه قانونی باشد...» (قانون اساسی پاکستان، اصل ۲۴).

- حقوق زن: قانون اساسی ایران در اصل بیست و یکم تصریح می کند که: «دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد: ۱ - ایجاد زمینه های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیاء حقوق مادی و معنوی او. ۲ - حمایت مادران، بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزندان، و حمایت از کودکان بی سرپرست. ۳- ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده ۴- ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی سرپرست. ۵- اعطای قیمومت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنها در صورت نبودن ولی شرعی» (قانون اساسی ایران، اصل ۲۱).

قانون اساسی پاکستان نیز در اصول متعددی به این حقوق پرداخته است، در اصل سی و چهارم بیان می کند: «کوشش خواهد شد تا حضور کامل زنان در کلیه جوانب زندگی ملی تضمین گردد.» (قانون اساسی پاکستان، اصل ۳۴) همچنین در اصل سی و پنجم در زمینه ی حمایت از خانواده تصریح می کند: «دولت از ازدواج، خانواده، مادر و فرزند حمایت می نماید.» (قانون اساسی پاکستان، اصل ۳۵)

- حقوق قضایی: الف- منع بازداشت خودسرانه: اصل سی و دوم قانون اساسی ایران تصریح می کند: «هیچکس را نمی توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین

می کند...» (قانون اساسی ایران، اصل ۳۲). قانون اساسی پاکستان در اصل دهم اشاره می کند به اینکه «کسی که دستگیر می شود، نباید بدون اینکه علت دستگیری در اسرع وقت به وی اطلاع داده شود، بازداشت، و زندانی گردد یا از حق مشاوره و داشتن وکیل قانونی به انتخاب خودش محروم گردد.» (قانون اساسی پاکستان، اصل ۱۰) و در اصل نهم تصریح می کند: «هیچکس از زندگی و آزادی محروم نخواهد شد مگر به موجب قانون.» (قانون اساسی پاکستان، اصل ۹). ب- ممنوع بودن اجبار و شکنجه برای گرفتن اعتراف: اصل سی و هشتم قانون اساسی ایران گرفتن اقرار از روی شکنجه را ممنوع اعلام کرده و اجبار اشخاص به شهادت و اقرار و سوگند را مجاز ندانسته و متخلف از این اصل را مستحق مجازات می داند. همچنین بند (ب) اصل سیزدهم قانون اساسی پاکستان می گوید: «هر گاه کسی به جرمی متهم شود، علیه خود به اعتراف مجبور نخواهد شد» (قانون اساسی پاکستان، اصل ۱۳). همچنین بند (ب) اصل چهاردهم بیان می دارد که: «هیچکس برای ادای شهادت مجبور یا شکنجه نخواهد شد» (قانون اساسی پاکستان، اصل ۱۴). ج- حق گرفتن وکیل: قانون اساسی ایران در اصل سی و پنجم تصریح می کند: «در همه دادگاهها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد» (قانون اساسی ایران، اصل ۳۵). قسمت اول از اصل دهم قانون اساسی پاکستان نیز به این حق اشاره نموده بیان می کند: «کسی که دستگیر می شود، نباید بدون اینکه علت دستگیری در اسرع وقت به وی اطلاع داده شود، بازداشت، و زندانی گردد یا از حق مشاوره و داشتن وکیل قانونی به انتخاب خودش محروم گردد» (قانون اساسی پاکستان، اصل ۱۰).

-حقوق سیاسی: یکی از حقوق سیاسی ملت که در قوانین اساسی ایران و پاکستان بدان اشاره شده حق مشارکت آنان در حاکمیت و قانون گذاری است به گونه ای که تعیین

نمایندگان مجلس توسط رأی مستقیم، مخفی و آزاد واجدین شرایط می باشد. اصل شصت و دوم قانون اساسی ایران و اصل پنجاه و یکم قانون اساسی پاکستان به تفصیل به بیان این حق پرداخته اند. حقوق مذکور در یکی از دو قانون اساسی ایران و پاکستان: هر نوع قاعده ای که در متن قانون اساسی نیامده، هر چند که به لحاظ حقوق اساسی و یا دکتترین حقوق مقبول باشد، فاقد اعتبار خواهد بود، حتی سکوت قانون اساسی در یک مورد، به معنی نفی آن تفسیر می شود و به معنی اطلاق و بلامانع بودن نیست. (زنجانی، ۱۳۸۷: ۴۶) همچنین بر اساس قواعد و مباحث اصولی در موارد مشکوک، اصل بر عدم است، یعنی اگر اصلی در قانون اساسی بیان نشده باشد طبق استصحاب عدمی، اصل بر عدم اعتبار آنست. بنابراین عدم وجود یک اصل در یکی از دو قانون اساسی محل بحث، نوعی ضعف و خلاء برای آن قانون محسوب می گردد. در ادامه به بررسی اصولی پرداخته می شود که در یک قانون، از قوانین اساسی محل بحث وجود دارد اما در دیگری بحثی از آن به میان نیامده است:

الف- حقوق مذکور در قانون اساسی ایران: ۱- حق دادخواهی و تساوی افراد در مقابل دادگاه ها: اصل سی و چهارم قانون اساسی ایران در زمینه دادخواهی و تساوی افراد در مقابل دادگاه ها بیان می دارد که: «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می تواند به منظور دادخواهی به دادگاه های صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاه هارا در دسترس داشته باشند و هیچ کس را نمی توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد» (قانون اساسی ایران، اصل ۳۴). دین مبین اسلام قضاوت و گرفتن حق مظلومان را یکی از راه های ریشه کن شدن ظلم و انحراف می داند به گونه ای که رسول خدا (ص) می فرماید: «لن تقدرس أمة لا يؤخذ للضعیف فیها حقہ من القوی غیر متعتع» (مجلسی، ۱۴۱۰: ۶۰۸/۳۳). ۲- اصل برائت: اصل سی و هفتم قانون اساسی ایران بیان می کند: «اصل، برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود، مگر اینکه جرم

او در دادگاه صالح اثبات گردد» (قانون اساسی ایران، اصل ۳۷). بنابراین، اصل بر بی گناهی افراد است و مجرم بودن اشخاص باید با سند و مدرک در مراجع قضایی ثابت شود. ۳- اصل ممنوعیت تجسس: در امان بودن نامه ها، مکالمات تلفنی و ...، از ضبط و فاش شدن از حقوق مهم و اساسی افراد است، اصل بیست و پنجم قانون اساسی ایران بیان می کند: «بازرسی و نرساندن نامه ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هر گونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون» (قانون اساسی ایران، اصل ۲۵). طبق این اصل هرکس در روابط خصوصی خود با دیگران از مصونیت و امنیت برخوردار بوده و هیچ کس حق تعرض به این حق و یا محدود نمودن آنرا نخواهد داشت مگر به حکم قانون. **عدم اضرار به غیر** قانون اساسی ایران، آزادی افراد را در استیفاء از حقوق خویش، محدود به عدم اضرار به دیگران کرده است و در اصل چهلم تصریح می کند: «هیچ کس نمی تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد» (قانون اساسی ایران، اصل ۴۰). مطابق اصل مذکور، قاعده فقهی لاضرر بر ادله احکام حاکم است و هرکجا اعمال حقی موجب اضرار به دیگران و یا تضییع حقی گردد از لحاظ قانون و شرع ممنوع می باشد. ۴- **حق تابعیت**: قانون اساسی ایران در اصل چهل و یک و اصل چهل و دوم، حق داشتن تابعیت ایران را برای هر ایرانی و همچنین اتباع خارجه که تابعیت ایران را کسب نموده اند به رسمیت شناخته و به هیچ کس حتی دولت اجازه سلب این حق را نداده است مگر به درخواست خود فرد. نهاد تابعیت در حقوق به نوعی معادل نهاد استیمان در فقه اسلامی است. نکته مهم و قابل توجه اینکه در بررسی تطبیقی حقوق ملت در دو قانون اساسی محل بحث، مشخص می شود که حقوق فوق الذکر که برگرفته از تعالیم روح بخش دین اسلام است، به طور

انحصاری در قانون اساسی ایران لحاظ گردیده، که از این جهت نقطه قوت آن بوده و عدم ذکر آنها در قانون اساسی پاکستان ضعف آن قانون محسوب می گردد.

ب- حقوق مذکور در قانون اساسی پاکستان: ۱- عدم اجبار افراد به امری: یکی از حقوق ملت در ارتباط با اصل آزادی، عدم اجبار افراد به فعل یا ترک فعلی است که به موجب قانون مکلف به آن نیستند، قانون اساسی پاکستان در بند ب و ج اصل چهارم به این امر اشاره نموده است:

«ب- هیچ کس از انجام آنچه که به موجب قانون ممنوع نشده، منع یا بازداشت نخواهد شد. ج- هیچ کس مجبور به انجام آنچه که قانون وی را ملزم به انجام آن نمی کند، نخواهد شد» (قانون اساسی پاکستان، اصل ۴).

براساس اصل مذکور افراد در قبال انجام هرکار اجباری و به دور از توان، از حمایت قانون برخوردار خواهند بود مگر مواردی که بنابر ضرورت قانون تعیین نماید مانند خدمت وظیفه سربازی.

۲- عدم به کارگیری کودکان: یکی از دغدغه های بشر در طول تاریخ، نگاه ابزاری جامعه به کودکان و به بیگاری کشیدن آنان بوده است به گونه ای که پیمان نامه هایی مانند پیمان نامه حقوق کودک مشتمل بر ۵۴ ماده، در زمینه حقوق کودک در سطح جهانی وضع گردیده است. قانون اساسی پاکستان در بند ۳ اصل یازدهم در بیان این موضوع، تصریح می کند: «کودکان کمتر از ۱۴ سال نباید در کارخانجات، معادن یا در هر شغل مخاطره آمیز دیگر به کار گماشته شوند» (قانون اساسی پاکستان، اصل ۱۱). ۳- عدم بردگی و ممنوعیت خرید و فروش انسان: قانون اساسی پاکستان در بند ۱ و ۲ اصل یازدهم بیان می کند: «۱- بردگی موجودیت ندارد و ممنوع می باشد و هیچ قانونی نمی تواند برقراری بردگی را در پاکستان

مجاز یا تسهیل نماید. ۲- خرید و فروش انسان ها ممنوع می‌باشد» (قانون اساسی پاکستان، اصل ۱۱).

آنچه مسلم است اینکه برده و برده داری در عصر کنونی مصداق خارجی ندارد و مختص زمان حضور امام (ع) می‌باشد بنابراین طبق اصل مذکور، هرگونه برده داری و یا خرید و فروش انسان به هرنحوی که باشد جرم بوده و مشمول مجازات های قانونی است. ۴- **معافیت از پرداخت مالیات های اختصاصی:** قانون اساسی پاکستان در اصل بیست و یکم تصریح می‌کند: «هیچکس مجبور به پرداخت هیچ نوع مالیات خاصی که حاصل آن برای ترویج و تبلیغ و اداره مذهبی غیر از مذهب وی صرف شود، نخواهد بود» (قانون اساسی پاکستان، اصل ۲۱).

با توجه به اصل مذکور، پیروان هیچ مذهبی ولو از نظر جمعیت اقلیت شناخته شوند ملزم به پرداخت هیچ نوع مالیاتی که برای ترویج دین و مذهب اکثریت استفاده گردد، نخواهند بود. بلکه افراد در پرداخت مالیات های عمومی برابرند و تبلیغ هر مذهب، برعهده پیروان همان مذهب خواهد بود. ۵- **حق مشارکت افراد در نیروهای مسلح:** اصل سی و نهم قانون اساسی پاکستان به این حق اشاره نموده بیان می‌کند: «دولت امکان شرکت مردم تمام بخشهای پاکستان در نیروهای مسلح کشور را فراهم خواهد ساخت» (قانون اساسی پاکستان، اصل ۳۹).

نکته قابل توجه اینکه اصول مذکور فقط در قانون اساسی پاکستان بیان گردیده اند و فقدان آنها در قانون اساسی ایران مشهود است و این امر، به نوعی ضعف قانون اساسی ایران محسوب می‌گردد، زیرا همانطور که جلوتر گفته شد فقدان یک اصل و قاعده اساسی در قانون اساسی به منزله عدم اعتبار آن خواهد بود هرچند از لحاظ دکتترین حقوق مورد قبول

باشد، بنابراین شایسته بنظر می رسد این اصول هرچند به صورت مختصر در قانون اساسی ایران هم وارد شوند.

نتیجه

یکی از ویژگی های مشترک قوانین اساسی ایران و پاکستان، که لازمه ی دینی بودن آنهاست، مکتوب و مدوّن بودن است، که این خود مزیتی نسبت به قوانین غیرمدوّن، در بیان حقوق ملت می باشد. با توجه به قید جمهوریت، مشارکت افراد در تعیین سرنوشت سیاسی ایشان از دیگر حقوق مسلم ملت می باشد. بنابراین شرایط خاصی که برای برخی از مناصب حکومتی لحاظ شده، به نظرتا حدودی محدود کننده این حق می باشد، از باب نمونه، اصل یکصد و پانزدهم قانون اساسی ایران، یکی از شرایط ریاست جمهوری را مرد بودن معرفی می نماید که با وجود چنین شرطی، بخش عظیمی از جامعه که بالغ بر ۵۰٪ جمعیت کشور را تشکیل می دهند از شرکت در این رقابت محروم می مانند. در حالی که قانون اساسی پاکستان در اصل چهل و یکم، فقط مسلمان بودن را از شرایط ریاست جمهوری بیان نموده و برای زنان، حق کاندیدا شدن در این منصب را به رسمیت شناخته است. قانون اساسی ایران و پاکستان، در برخی موارد به قید کلیت و عمومیت قوانین اساسی، که شرط بقاء و ثبات آنست، توجه نموده و بجای کلی گویی و عام گویی، به ذکر مصادیق پرداخته اند، از باب نمونه، بند (پ) اصل سی و یکم قانون اساسی پاکستان، یکی از وظائف دولت را تضمین سازماندهی مناسب زکات، اوقاف و مساجد اعلام می کند. در حالی که شایسته بود به جای ذکر چند مصداق، وظیفه دولت را تسهیل در اجرای کلیه احکام اسلام بیان می نمود که مواردی همچون خمس، امر به معروف و نهی از منکر و ... را هم شامل گردد. همچنین قانون اساسی ایران در اصل بیست و یکم در زمینه بیان حقوق زن، به بیان موارد حمایت دولت از زنان پرداخته است که شایسته بود از ذکر مصادیق خودداری نموده و بیان آن را به قوانین عادی محول نماید. از آنجا که قانون اساسی هرکشور به عنوان عالی ترین سند حقوقی آن کشور و تضمین کننده حقوق و آزادی های ملت محسوب می شود لذا می بایست از یک چنین طبقه بندی مناسب، اصولی و مفید برخوردار باشد تا مراجعه افراد به

اصول مختلف آن راحت تر و آسان گردد فلذا قانون اساسی ایران فصل سوم خود را بطور اختصاصی به بیان حقوق ملت اختصاص داده است اما در قانون اساسی پاکستان، حقوق ملت بطور پراکنده و غیرمتمرکز در فصول مختلف بیان گردیده است، که این شیوه بیان، دسترسی افراد، مخصوصا افراد غیرمتخصص را به این حقوق مهم و اساسی، کمی دشوار می نماید.

منابع

۱- قرآن کریم

- ۲- ابن منظور، ابوالفضل، جمال الدین، محمد بن مکرم، لسان العرب، الطبعة الثالث، بیروت، لبنان، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، دار صادر، ۱۴۱۴.
- ۳- اصفهانی، مجلسی دوم، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، الطبعة الاولى، بیروت، لبنان، مؤسسه الطبع و النشر، ۱۴۱۰.
- ۴- تسخیری، محمدعلی، در پرتو قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نشر مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۵.
- ۵- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، چاپ چهارم، نشر گنج دانش، ۱۳۸۸.
- ۶- جوادی آملی، عبدالله، فلسفه حقوق بشر، چاپ دوم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۷.
- ۷- جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیه، الطبعة الاولى، بیروت، لبنان: دار العلم للملایین، بیروت، لبنان، ۱۴۱۰.
- ۸- حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۴.
- ۹- حیاتی، علی عباس، اموال و مالکیت، چاپ دوم، نشر میزان، ۱۳۸۹.
- ۱۰- سرخسی، شمس الدین، المبسوط، بیروت: نشر دارالمعرفه، ۱۴۰۶.
- ۱۱- سمهوری، عبدالرزاق احمد، مصادرالحق فی الفقه الاسلامی، بیروت: نشر منشورات الحلبي الحقوقیه، ۱۹۹۸.
- ۱۲- شیخ صدوق، الخصال، قم: انتشارات جامعه مدرسین قم: ۱۴۰۳.
- ۱۳- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، چاپ دوم، تهران: مؤسسه دهخدا، ۱۳۷۷.
- ۱۴- عاملی، حرّ، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، الطبعة الاولى، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۹.

- ۱۵- عمید زنجانی، عباسعلی، **میانی حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران**، انتشارات مجد، ۱۳۸۷.
- ۱۶- **قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران**، مجموعه قوانین کاربردی، چاپ یازدهم، انتشارات مجد، ۱۳۹۰.
- ۱۷- **قانون اساسی جمهوری اسلامی پاکستان**، برگرفته از سایت nahad.govir.ir
- ۱۸- قمی، صدوق، محمد بن علی بن بابویه، **من لایحضره الفقیه**، الطبعة الثانی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳.
- ۱۹- کاتوزیان، ناصر، **اموال و مالکیت**، چاپ چهارم، نشر دادگستر، ۱۳۸۰.
- ۲۰- _____، **مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران**، چاپ بیست و ششم، نشر شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۹.
- ۲۱- کاشانی، محمود، **حقوق مردم**، سازمان اسناد و مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷.
- ۲۲- کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب، **الکافی**، الطبعة الرابع، دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷.
- ۲۳- لطفی، اسدالله، **حقوق اساسی و ساختار نظام جمهوری اسلامی ایران**، بی نا، ۱۳۸۹.
- ۲۴- مدنی، سیدجلال الدین، **کلیات حقوق اساسی**، چاپ اول، انتشارات پایدار، ۱۳۷۶.
- ۲۵- مطهری، مرتضی، **عدل الهی**، چاپ نهم، انتشارات صدرا، ۱۳۷۴.
- ۲۶- معتزلی، ابن ابی الحدید، **شرح نهج البلاغه**، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۴.
- ۲۷- مقیمی، غلامحسین، **مشروطیت، جمهوریت، اسلامیت**، نشر و پژوهش معناگرا، ۱۳۸۵.
- ۲۸- واحدی، قدرت الله، **مقدمه علم حقوق**، چاپ اول، بی نا، ۱۳۷۳.
- ۲۹- ورعی، جواد، **حقوق و وظایف شهروندان و دولتمردان**، نشر دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۱.
- ۳۰- هاشمی، سید محمد، **حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران**، چاپ نهم، نشر میزان، ۱۳۸۸.

All References in English

1-The holy Qoran.

- 2-Ameli , Hor , Mohammadebne hasan , **vasaelo shi`e**, qom: moasese ye A`le beyt publication , 1989.
- 3-Amide zanjani , AbasAli , **Mabani hoghoghe asasi ye Iran** , majd publication , 2008.
- 4-Dekhoda , Ali Akbar , **loghatnameh** , moasese ye dekhoda , 1998
- 5-Ebne Manzoor ,Mohamad ebne mokrem , **lesanol arab** , , beeroot-lobnan: darol fekr publication, 1993.
- 6-Esfahani , Mohammad bagher ebne mohammad taghy , **behaarol anvar**, moasese tabo nashr , beyroot-lobnan,1990.
- 7-Harrani ,Hasan ebne sho`be , **Tohafol oghol** , qom: eslami publication, 1984.
- 8-Hashemi , seyed mohammad , **hoghoghe asasi jomhoori eslami iran** , meezan publication , 2009.
- 9- Hayati , Ali abas , **Amval o malekeat** , mizan publication , 2010.
- 10- ja`fari langroodi , Mohammad Ghafar , **Mabsoot dar terminology hoghogh** , ganje danesh publication , 2010.
- 11- Javadi amoli , abdollah , **falsafe hoghooghe bashar** , markaze asraa publication , 1999.
- 12-Jowhari , Esmaeel ebne hamma`d , **alsehah** , beyroot-lobnan: darol elm publication , 1990.
- 13-Kashany , mahmood , **hoghoghe mardom** , sazeman e asnad va madareke eslami , 1998.
- 14-Katozean,Naser , **amval o malekeat**, dadgostar publication,2001.
- 15-Katozean , naser , **moghadame elme hoghoogh va motale`ye nezame hoghooghe Iran** , sahami enteshar publication , 2000 .
- 16-Koleyny ,Aboo jafar , Mohammad ebne yaghoob , **alkafi** , darol kotobel Eslamie , 1986.
- 17-Lotfi , Asadollah , **hoghooghe Asasi va sakhtare Nezame jomhoori Esalami iran** , beena , 2010.
- 18-Madani , seyed jalalodin , **koliyate hoghooghe Asasi** , paydar publication , 1997.

- 19-Moghemi , Gholam Hosein , **Mashrooteat, jomhooreat, Eslameat** , ma`nagera publication , 2006.
- 20-Mo`tazeli , Ebne Abel Hadid , **Sharhe Nahjbalaghe** , Ayatollah mara`shi publication , 1984.
- 21-Motahari, mortaza ,**Edle Elahi** sadra publication ,1995.
- 22-**Qanoone Asasi jomhoori Eslami Iran**,Majmooe Ghavanine karbordi majd, majd publication , 2012.
- 23-**Qanone asasi jomhoori eslami pakestan** , bargerefteh az sait : nahad.govir.ir.
- 24-Qomi, sadoogh , Mohammad ebne Ali ,**Man la yahzarahol faghih** , qom :Eslami pablication , 1992.
- 25-Samhoori,Abdol razzagh,**Masaderol Hagh fi feghel Eslami**,beyroot-lobnan: Manshooratol halabi pablication , 1998.
- 26-Sarakhsi , Shamsodin , **almabsoot** , beyroot-lobnan: Darol Ma`refat pablication , 1986.
- 27-Sheikh sadoogh , **Alkhesal** , jaame`ye modarresine qom publication , 1983.
- 28-Taskheeri , Mohammad Ali , **Dar partove Ghanoone Asasi Iran** , Majmae taqhreebe eslami publication, 2007.
- 29-Vahedi,Ghodratolah,**Moghadame elme hoghoogh** , beena publication , 1994.
- 30-Varaye,javad , **Hoghoogh va vazaefe shahrvandan va dolatmardan**, majlese khebregan rahbari publication , 2002.

Abstract

Freedom and equality of rights are desired of all nations . bill of human rights and pact of the league of nations and also the mist of governments allocate the sections of their laws concerning the nation rights constitutional law of Iran and Pakistan which have Islamic Republic have allocated the parts of their laws regarding of nation rights. The both government have the deficiency. We want in this paper to explain about the nation rights in comparative . the both government have been used from Islam teachings and the way of wises we want to explain that which of two governments more observe the nation rights. Our hypothesis is that Iran constitutional law more observe the nation rights. We belive that Iran constitutional law is more agreeable to the Islamic government to Islamic republic. This research has been done in comparative way.

Kay words:

Constitutional law, Islamic republic of Iran and Pakistan , Strengths , Weaknesses , Deficits